

پیشگامان تقریب مذاهب و نقش اجازه در جامعه اسلامی

پیشگامان تقریب مذاهب و نقش اجازه در جامعه اسلامی

سید محمود مرعشی

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از اصلی ترین و مهمترین پایه های وحدت در جامعه اسلامی و ملل مسلمان، توحید و اعتقاد به وحدانیّت و یگانگی خداوند است. به موجب این اصل، همه امّت اسلامی با هر نژاد، طبقه، رنگ و زبان، در هر زمان و مکان باید به آفریدگاری یکتا و یگانه و دین و طریقه واحدی ایمان داشته باشند تا مصداق تمام عیار و کامل «امّت واحد» قرار گیرند.

قرآن مجید در آیات فراوانی، بطور صریح و آشکار مسلمانان و جهانیان را به توحید فرا می خواند و عقیده توحیدی را خمیر مایه تشکیل امّت اسلامی می داند:

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (1)؛ اينك (با آمدن دين مقدس اسلام و آيين توحيدى) امتي يکپارچه ويگانه شديد و من پروردگار شما هستم، (بنا براين) فقط مرا پرستش کنيد».

در آيه اي ديگر علل و اسباب نزديکي و وحدت مسلمانان را به خويش نسبت

1 - سورة انبياء: 92.

-(80)-

مي دهد و به پيامبر گرامي اسلام اعلام مي کند که اي پيامبر! تو با همه ثروت و امکانات روي زمين، قادر به اين وحدت نبودي؛ «وَالصَّافَّ بَيِّنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا الصَّافَّ بَيِّنَ قُلُوبِهِمْ وَلَئِنَّ اللَّهَ الصَّافَّ بَيِّنَهُمْ إِنََّّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (1)؛ اين خداوند بود که دلهاي مؤمنان را به هم نزديک و مهربان ساخت، اگر تو تمام ثروت روي زمين را در راه ايجاد الفت و پيوند دادن دلهاي مؤمنان به يکديگر خرج مي کردي، نمي توانستي دلهايشان را به هم نزديک سازي! اما خداوند بود که آنان را به هم الفت داد، يقيناً خداوند به هر کاري توانا و داناست».

از اين فراتر و بارزتر آن که منشا پيدايش بني آدم و خيزشگاه انسانها را از يك سرچشمه مي داند و آشکارا هر گونه اختلاف نژادي، طبقه بندي طبقاتي و فرقه گرائي را مردود دانسته و بيان مي دارد که: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْإِنْسَانُ خَلَقْتُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (2)؛ اي مردم! آگاه باشيد که همه شما را از مرد وزن آفريديم و آنگاه شما را گروه گروه و فرقه هاي گوناگون قرار داديم، تا يکديگر را بشناسيد، يقيناً بزرگوارترين و بهترين شماها نزد خداوند پرهيزکارترين شماست».

در عين اين گروه بندي متعارف به دليل ايمان واحد و عقيدة مشترک، همه مؤمنان را برادر همد يگر معرفي نموده، از يکايک آنان مي خواهد که اگر اختلافي بين اين برادران ديني پيش آيد، بايد به اصلاح آن پرداخت و برادران را با يکديگر آشتي داد و در اين مسير تقوا پيشه کرد تا مورد لطف و مرحمت حق

قرار گیرند: ﴿انَّمَا إِلَهُ الْبَشَرِ خُودُهُ فَاصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (3).

1 - سورة انفال: 63.

2 - سورة حرات: 13.

3 - سورة حرات: 10.

—(81)—

راه از میان رفتن اختلاف و تفرقه و دشمنی، چنگ زدن به ریسمان توحید و یا دآوری نعمتهای وحدت آفرین الهی است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (1)؛ و همگی به رشته الهی چنگ بزنید و به راههای گوناگون تفرقه آمیز نروید و به یاد آورید آن نعمت بزرگ را که وقتی شما باهم دشمن بودید، خداوند بود که بین شما الفت و مهربانی و پیوند قلبی برقرار کرد و به لطف او بود که همگی باهم برادر شدید، در حالی که در لب پرتگاه آتش قرار داشتید و خداوند شما را از آن نجات داد».

بر این معیار و بر این مبنا بود که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله میان مسلمانان عقد اخوت بست و يك پیوند خدایی و ناگسستنی در میان امت اسلامی پدید آورد و مسلمانها با عقیده مشترك به توحید، نبوت، معاد و ایمان به ملائکه، کتاب خدا، قبله واحد و نیایشی واحد و مشترك به وحدت رسیدند و امتی واحد، یکپارچه، همگون و برابر و برادر شدند؛ چرا که قرآن آنها را برادر دانسته و پیامبر تاکید فرمود که: «المؤمن اخو المؤمن» و نیز آنها را به جسمی واحد تشبیه کرده و فرمود: مثل المسلمين في تراحمهم و توادهم، كمثل الجسد اذا اشتكى منه عضو تداعي له سائر الاعضاء بالسهر والحمي.

این جسد همان امّت یکپارچه اسلامی است و اعضای پیکره آن مسلمانان و شعبه ها و تیره های مختلف و متفرق هستند، و اگر عضوی از آن پیکره واحد دچار ناراحتی، جراحت و المی گردید، وظیفه سایر اعضا و اجزاست که به درمان آن بپردازند، تا جامعه به صلح، آرامش، ترقی و تکامل دست یابد.

1 - سورة آل عمران: 103.

-(82)-

با همه توصیه ها، تاکبدها و دستورهای آشکار خداوند و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دیری نپایید که اختلاف و تفرقه در جامعه یکپارچه اسلامی پدید آمد و پیکره واحد این امّت متحد و توحیدی گرفتار آفت و بیماری و دشمنیهای خانمان برانداز گردید.

دشمنان اسلام که از آغاز ظهور اسلام از این امّت واحده، ضربات سهمگینی خورده بودند، از این اختلاف و شکاف بین مسلمان سود جسته و سربرآوردند و آگاهانه به این اختلاف دامن زدند و هر چه بیشتر بر عمق و گستره تفرقه بین مسلمانان افزودند و شکاف و اختلاف را عمیقتر و خصمانه تر ساختند.

باز شدن دست استعمار باعث دامن زدن این اختلافات و تفرقه ها گردید، به حدّی که مسلمانان روز به روز ضعیفتر و شکننده تر شده و در جنگ استعمار خونخوار گرفتار گردیدند؛ از این روبرو رهبران فکری جامعه، دانشمندان و عالمان اسلامی است که نخست خود دست وحدت و برادری به سوی یکدیگر دراز کنند و در مرحله بعد به بیدارگری امّت متفرّق، متشتّت و پراکنده اسلامی پرداخته و به ایحای برادری، اتحاد و یکپارچگی در میان مسلمانان روی آورند و همگی را به توحید که پایه و رکن اساسی اسلام و عامل وحدت بخش جامعه اسلامی است، فرا خوانند و زیر پرچم قرآن به اعاده بنای وحدت اسلامی بپردازند و به هر مسلمان در هر نقطه و هر زمان بفهمانند که مسلمان برادر مسلمان است و به تبیین این حقیقت که وحدت مسلمانان بر دو محور اصلی می چرخد پرداخته شود:

1 - رعایت و احترام نمودن هر مسلمان به حقوق دیگر مسلمانان در هر سرزمین از بلاد پهناور اسلام، بدون در نظر گرفتن مذهب، طبقه، نژاد، جنسیت، زبان و رنگ، و مصون بودن جان و مال آنان.

-(83)-

و پیامبر اسلام و امامان و پیشوایان جامعه اسلامي به آن توصیه و راهنمائي و حتي عمل کرده اند.

در این میان نقش عالمان و بزرگان شیعه در فراهم سازی زمینه های وحدت تمامی ملل اسلامي و ایجاد بستر تفاهم و همدلي و تقرب و نزدیکی سازی فرق مختلف جهان اسلام و پیروان مذاهب توحیدی بسیار برجسته و شاخص است.

شخصیتهای بزرگ و نامداری مانند: ابو القاسم علي بن الحسين بن موسي معروف به شریف مرتضی و علم الهدی (355 - 436 ق)، مفسر، متکلم و فقیه اصولی ابو جعفر محمد بن حسن طوسی معروف به «شیخ الطائفه» و «شیخ طوسی» (385 - 460) مفسر فقیه و اصولی و از مشاهیر فقها و علمای شیعه؛ جمال الدین بن حسن یوسف بن مطهر معروف به علامه حلی (648 - 726 ق) یکی از نامورترین فقهایی شیعه؛ محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد معروف به شیخ بهایی (953 - 1030 ق) فقیه اصولی، محدث رجالی، مفسر، متکلم، ریاضیدان و ادیب برجسته شیعی؛ ملا محمد باقر بن محمد تقی معروف به علامه مجلسی (م 1111 ق) محدث و فقیه و از مفاخر شیعه و از متأخرین آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی (1292 - 1380 ق) فقیه برجسته و مرجع نامدار شیعیان، دلسوزانه و مجدانه در این راه کوشیده و همت بر این کار گمارده اند.

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی؛ (1315 - 1411 ق) نیز به تاسی از این بزرگان و سلف صالح تشیع، پیش از پایه گذاری «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة» در مصر توسط شیخ محمد تقی قمی شیعی و شیخ شلتوت رئیس جامع الازهر قاهره و همگامی کسانی مانند آیت الله بروجردی، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی از جهان تشیع و عبد المجید

-(84)-

سلیم، محمد علی علویه پاشا، حسن البنا، علی مؤید، امین الحسینی و شیخ آلوسی فرزند صاحب تفسیر آلوسی در سال 1378 قمری، عملاً گام در این راه نهاد و با حضور در جلسات درس علماء بزرگ اهل سنت از مذاهب چهارگانه و دیگر فرق اسلامي در عراق و سایر مناطق اسلامي، به شکلي واقعي و عینی در راه تفاهم

هر چه بیشتر و نزدیک سازهی مذاهب مختلف و علما با یکدیگر، و ایجاد زمینه های گسترده ارتباطات همه جانبه کوشید.

ایشان در آغاز دوره تحصیلی در عراق به محفل و جلسه درس علمای طراز اوّل اهل سنت عراق مانند: علامه شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی (1356 ق)؛ علامه سید ابراهیم موسوی رفاعی شافعی بغدادی (متوفای 1365 ق)؛ علامه شیخ نور الدین شافعی مشهور به شیخ نوری؛ علامه سید عبد الوهاب افندی حنفی و علامه سید علی خطیب نجف اشرف، شرکت نمود و از مباحث و تقریرات درسی آنان استفاده کرد و ارتباطی متین و مستحکم با آنان به وجود آورد که موجب شگفتی بسیار از معاصران وی گردید.

آیت ا^ع مرعشی نجفی برای تحکیم هر چه بیشتر وحدت علمای اسلام و ایجاد زمینه های اتحاد و همبستگی در جامعه اسلامی، از تعداد بسیاری از مشایخ روایتی و درسی خویش، از علما و فقهای بزرگ اهل سنت و جماعت و سایر فرق اسلامی اجازه روایتی دریافت کرد و یا به آنان اجازه روایتی داد که بیش از اشاره به آنها، لازم است در اینجا به مفهوم اجازات روایتی در میان علمای اسلام و زمینه سازی اجازات متقابل و طرفینی که اصطلاحاً به آن اجازات «مدبّجه» می نامند، نیز اشاره کوتاهی داشته باشیم.

—(85)—

اجازات روایتی

حدیث و حاملان و راویان آن در جامعه اسلامی از پایگاه و موقعیت ممتازی برخوردار بوده و هستند؛ زیرا حدیث بیان و تفسیر قرآن و احکام و قوانین اسلام است و محدّث و راوی، بازگو کننده و ناقل آن، از این رود علم الحدیث و رجال بسیار به آن دو پرداخته اند و برای شناخت احادیث صحیح از غیر صحیح راههای مختلفی ارائه کرده اند، چنانکه برای حاملان احادیث و ناقلان و راویان آن، شرایط و ویژگیهای خاصی قائل شده و در نظر گرفته اند. در حقیقت اجازه روایتی در اصطلاح دانشمندان اسلامی عبارات است از: تایید دانشمندی بر جسته بر تایید عالمی دیگر که خود در طول تاریخ اسلامی در مذاهب گوناگون بین علمای مذهبی رایج و معمول بوده است.

راهها و به اصطلاح «طرق حمل حدیث» گوناگون و مختلف است و شهید ثانی این طرق و راهها را به هفت دسته تقسیم کرده که عبارتند از: سماع (شنیدن)، قرائت، اجازه، مناوَله، کتابت، اعلام و وجاده که هر یک از این راهها خود به بخشها و شعبه های متعددی تقسیم می گردد؛ از این هفت راه جز طریق اجازه، بقیه

رواج چندان زيادي ندارد، به همين دليل مختصراً فقط به اجازه مي پردازيم(1).

الف - اجازه روايتي که به هنگام اطلاق، ناظر به همين قسم است و به اين معناست که عالمي صاحب اجازه، که از مشايخ و اساتيد خود اجازه نقل حديث و بيان و روايت آن را دارد، به عالمي واجد شرائط، اجازه دهد که از او احاديث و اخباري را که وي از مشايخ خود کتباً يا شفاهاً نقل کرده، در نوشته ها و آثار و تاليفات خود بياورد و يا براي

1 - جهت اطلاع بيشتر ر. ک: الاجازة الكبيرة، آية الله العظمي مرعشي نجفي رحمه الله 4656 چاپ قم سال 1414 ق.

-(86)-

ديگران نقل و روايت کنند.

اين نوع از اجازات به اين دليل رواج يافته که هر شخص بي صلاحيتي نقل حديث نکند و تنها افرادي که واجد تقوا، راستگويي، اما ننداري، بصيرت، خبره، حديث شناس، سندشناس و رجال شناس باشند، مجازند به نقل حديث بپردازند تا الفاظ و محتواي حديث خدشه دار نشود و شنوندگان و خوانندگان با اطمينان کامل مضمون حديث را به گوش جان بشنوند و به آن عمل کنند.

اين گونه اجازات روايتي فوايد بي شماري دارد که از جمله، تيمن و تبرک اجازه است که «مجاز» خود را در بين روايان حديث احساس مي کند؛ ديگر اتصال اسانيد کتابها و روايات که در هر عصر و زمان، ديگري به ديگري مي سپارد و نسبت کتابها به نويسندگان و نقل احاديث از اعتبار بيشتري برخوردار مي گردد؛ همچنين آشنائي بيشتر «مجاز» از شرح احوال علماي گذشته و اسامي و تاليفات و مشايخ آن و نيز از لحاظ تاريخي در هر عصر و زمان علت صدور اجازه عالمي به عالم ديگر از هر طبقه مشخص مي گردد؛ ديگر آن که احوال علما و دانشمندان و نيز ديده گاههاي استادان نسبت به شاگردان و بالعکس، وشهادت آنان در حق يکديگر مشخص مي شود؛ بالاخره براي نقل احاديث از کتب معتبره در مرحله اول اعتماد بيشتري در شنوندگان و خوانندگان ايجاد مي گردد.

ب - اجازه اجتهاد (شهادت نامه عملي)، که اجازه دهنده (مجيز) براي اثبات قدرت استنباط احكام شرعي از روي ادلة تفصيلي، آن را به اجازه گیرنده (مجاز) مي دهد.

به عبارت ديگر، هنگامي که استاد و شيخي، قدرت و توانايي و ملکه استنباط احكام شرعي و اجتهاد را در شاگرد خويش تشخيص بدهد، به او اجازه

-(87)-

اجتهاد خواهد داد.

اين نوع اجازه در ميان متاخرين بسيار متداول شده ونوعي شهادتنامه علمي است که اساتيد به شاگردان خود مي دهند؛ اعم از اين که اين اجتهاد مطلق باشد و يا متجزي که مجتهد قدرت اجتهاد بخشي از احكام را داشته باشند.

ج - اجازه امور حسبيه وگرفتن و محاسبه وجوه شرعي، مانند سهم سادات، سهم امام رضا عليه السلام، زکات، صدقات کفارات، مظالم عباد، مجهول المالک، و تصرف در امور ديني، اسلامي واجتماعي مسلمانان.

به اعتباري ديگر، تمامي اجازات روايتي به دو نوع اجازات کتبي و شفاهي تقسيم مي گردد اجازات کتبي عبارت است از اين که ، شيخ واستاد به شاگرد و يا عالمي ديگر به صورت مکتوب و مستند اجازه روايت و نقل حديث بدهند و اجازات شفاهي آن است که، کتابتي و سندي مکتوب در ميان نباشد و با اعتمادي که استاد و مجيز به مجاز دارد، شفاهاً^۱ به وي اجازه نقل حديث و بيان آن را براي ديگران مي دهد.

آيت ا^۱ مرعشي نجفي رحمه الله در زمرة معدود مراجع ومجتهدان و عالمانی است که از سنین جواني و در طول زندگي پربار خويش موفق به دريافت بيش از چهار صد و اندي اجازه روايتي از مشايخ جهان اسلام گرديد و بلکه مي توان ادعا کرد که در ميان علماي متاخر کمتر عالمي است که مانند ايشان نائل به اين همه اجازه شده باشد، در حقيقت شيخ الاجازه عصر خويش به شمار مي آيد (1).

اجازات کتبي معظم له نزد يك به 150 اجازه و اجازات شفاهي ايشان متجاوز از 250 اجازه مي شود.

1 - ایشان گذشته از این که موفق به دریافت بیش از چهار صد و اندی اجازه از علمای اسلام شده اند، خود نیز سه هزار اجازه به افراد مختلف واجد شرایط در طول زندگی خود داده اند.

-(88)-

وی بیش از 339 اجازه روایتی از علما و فقهای شیعه و 156 اجازه روایتی از علما و فقهای اهل سنت و بیش از هفده اجازه روایتی از علمای زیدی دریافت کرده است که خود نشانگر ارتباط گسترده ایشان با علما، فقها و محدثان مذاهب اسلامی است.

شماری از اجازات ایشان به صورت متقابل و طرفینی است که در اصطلاح علمای حدیث و اجازه، آن را اجازه «مدبّجة» می نامند؛ یعنی بعضی از مشایخ - اعم از شیعه و سنی - به آیت الله مرعشی اجازه نقل حدیث از طریق خودشان داده اند و متقابلاً ایشان نیز به آنان اجازه نقل احادیثی که خود از طریق دیگر مشایخ نقل کرده، داده است.

دسته ای از این اجازات که کتبی هستند، اینجانب گردآوری کرده ام که به یاری خداوند در کتاب «المسلسلات فی الاجازات» در آینده در دو جلد به عربی منتشر خواهد شد؛ جلد اول آن اصل اجازات با دستخط «مجیزین» و جلد دوم شامل زندگینامه اجازه دهندگان است.

علما و دانشمندان اهل سنت که به آیت الله مرعشی نجفی اجازه روایتی کتبی داده اند عبارتند از:

1 - علامه شیخ عبد الحفیظ بن محمد طاهر فهری فاسی مالکی مغربی، از ذریّه ذی الوزاتین یحیی بن فرج بن حد اندلسی (1296 - 1383 ق) مقیم رباط مراکش.

مجموعه اجازه از او به نام «الاسعاد بمهمّات الاسناد» در 63 صفحه است که در سال 1357 ق نوشته است.

2 - علامه شیخ داوود بن محمد بن عبد الله مرزوقی زبیدی یمانی شافعی. تاریخ اجازه بیست و هفتم رجب 1355 ق در یازده صفحه.

3 - علامه سید ابراهیم راوی رفاعی بغدادی شافعی (1276 - 1365 ق) مدرس سابق جامع سید سلطان علی در بغداد. ایشان سه اجازه به مرحوم آیت الله مرعشی

نجفی رحمه الله داده اند که اولی در بیست و ششم شعبان 1351 ق در هشت صفحه، دومی در بیست و هفتم ربیع الاول 1355 ق و سومی بدون تاریخ است.

4 – علاء مه شیخ محمد بخت بن حسین مطیعی مصری حنفی (1271 – 1354 ق) مفتی سابق حنفیه مصر. اجازه او به تاریخ بیست و ششم ذیقعدہ 1352 ق در قاهره نوشته شده است.

5 – علاء مه شیخ محمد طاهر بن محمد شاذلی بن عبد القادر بن محمد بن عاشور شریف مالکی مغربی تونسی (1286 – 1393 ق) تاریخ اجازه بیستم شوال 1388 ق در هشت صفحه.

6 – علاء مه سید علوی بن طاهر بن عبد الله حداد علوی حسینی شافعی حصرمی (1301 – 1382) تاریخ اجازه هیجدهم شوال 1366 ق در 42 صفحه.

7 – علاء مه شیخ محمد الله حافظ جی حضور امیر الشریعة ابن مولوی محمد ادریس حنفی بنگلادشی (سال تولد – 1988 م) رهبر مذهبی مسلمانان بنگلادش.

تاریخی اجازه هیجدهم ذیقعدہ 1402 ق در شهرستان قم.

8 – علاء مه شیخ محمد بهجة بن محمد بهاء الدین بیطار دمشقی حنبلی (1311 – 1396 ق) از دانشمندان برجسته سوریه و مؤلفان مشهور جهان عرب. تاریخ اجازه پانزدهم جمادی الثاني 1357 ق.

9 – علاء مه شیخ یوسف بن احمد بن نصر دجوی مصری مالکی، (1387 – 1365 ق) عضو جمعیه کبار العلماء سابق مصر تاریخ اجازه هیجدهم جرای 1939 م.

10 – علاء مه سید علی بن حمد بن عقیل علوی شافعی یمانی.

11 – علاء مه شیخ عبد الواسع بن یحیی بن حسین واسعی یمانی شافعی (1295 – 1379) از علمای بزرگ یمن. دو اجازه به مرحوم آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله داده است

که اولي در شوال 1355 و دومي بدون تاريخ است.

او اجازه اي نیز متقابلاً از آيت ا [مرعشي نجفي در چهارم محرم الحرام 1355 ق. دریافت کرده است که در صفحه 103 کتاب «الدر الفريد الجامع لمفترقات الاسانيد» به سال 1357 ق. در چاپخانه حجازي قاهره چاپ شده است و آن را به عنوان نمونه در پايان مقاله آورده ايم.

12 - علاء مه شيخ ابراهيم جبالي مصري، از دانشمندان برجسته سابق الازهر مصر که شهر فراواني نزد علماي آن ديار داشته است. تاريخ اجازه بيست و هفتم ربيع الاول 1354 ق.

13 - علاء مه شيخ احمد بن محمد بن سليمان اهدل مقبول حسيني زبيدي، ملقب به ادريسي، (1284 - 1357) تاريخ اجازه هيجدهم رجب 1355 ق.

14 - علاء مه شيخ محمد بن صديق بطاح اهدل شافعي حضر مي، تاريخ اجازه، رجب 1355 ق.

15 - علاء مه شيخ احمد بن شيخ امين كفتارو مفتي بزرگ سوريه. تاريخ اجازه چهارم ربيع الاول 1402 ق.

16 - علاء مه شيخ محمد حسن محمد مشاط مكّي، خادم و مدرس حرم مكّي و داراي تاليفات بسيار. نام اجازه او: «الارشاد بذكر بعض مالي من الاجازة والاسناد» در دوازده صفحه که به سال 1370 ق. نوشته است.

17 - علاء مه شيخ حسين مجدي كردي شافعي، مدرس در مسجد بازار شهرستان مهاباد كردستان. تاريخ اجازه 1388 ق.

18 - علاء مه سيد حسن اسعدي شافعي كردي مقيم كردستان، شهرستان سلدور: اجازه او در سه صفحه به تاريخ 1385 ق.

19 - علاء مه عارف شيخ عبدا [بن ابراهيم نياس مالكي تيجاني، رهبر تيجانيهاي آفريقا در کشور سنگال.

بین مرحوم آیه **ا** **ا** مرعشی نجفی رحمه **ا** و کسانی مانند: علاء مه سید احمد بن محمد بن سلیمان بن عبد **ا** اهدل شافعی حصرمی یمانید؛ علاء مه سید ابراهیم راوی رفاعی شافعی بغدادی، علاء مه شیخ عبد الواسع بن یحیی واسعی یمانید، شیخ عبد **ا** بن ابراهیم نیاس مالکی تیجانی، رهبر فرقه تیجانیه کشور آفریقای سینگال، علاء مه شیخ احمد بن امین کفتارو، مفتی بزرگ جمهوری عربی سوریه، شیخ محمد **ا** حافظ جی حضور، امیر الشریعة حنفی و رهبر مذهبی مسلمانان بنگلادش اجازات مدبرجه ردو بدل شده است.

سایر علما و فقهای اهل سنت که آیت **ا** **ا** مرعشی نجفی از آنان اجازه کتبی و شفاهی روایتی دریافت کرده عبارتند از؛ سید عبد الوهاب افندی حنفی، مفتی استان کربلا در زمان دولت عثمانی، علاء مه مصلح و مفسر بزرگ مصر شیخ طنطاوی جوهری مصری صاحب «تفسیر الجواهر»، شیخ محمد راغب بن حاج محمود حلبی صاحب کتاب «اعلام النبلاء بتاریخ جبل الشهباء»، سید محمد بن عقیل بن عبد **ا** حسنی علوی عریضی حصرمی، ابو بکر بن شهاب علوی، علاء مه شیخ نور الدین شافعی مشهور به شیخ نوری، علاء مه محدث مصلح شیخ احمد بن عبدالرحمن بن محمد البناء مشهور به ساعاتی مصری مالکی (پدر شیخ حسن البناء رئیس اخوان المسلمین) شیخ عبدالسلام کردستانی شافعی، شیخ محمد دمشقی حنبلی، سید جمال الدین ابو المعالی محمود شکری آلوسی بغدادی، شیخ عبدالوهاب بن عبد **ا** خوقیر شافعی مکی امام مسجد الحرام، شیخ یوسف عطاء حنفی اشعری بغدادی، شیخ حسین منون بن یوسف بن احمد منون، علامه فضل **ا** جیلانی استاد دانشگاه عثمانیه حیدر آباد

—(92)—

دکن، ابو سعید محمد عبد الهادی بن حاج محمد عبد الکریم بن احمد هندی مدرسی حنفی حیدر آبادی، حاج شاه مولوی محمد عبد الحامد حنفی قادری بدایونی رئیس جمعیت علمای پاکستان، عبد الرحمن علیش حنفی مصری، شیخ محمد حبیب **ا** بن عبد **ا** بن احمد مالکی جکنی یوسفی شنقیطی مدنی، سید ابو عبد **ا** محمد بن حسن بن عربی محمد حجوی ثعالبی مالکی مغربی فاسی رباطی، سید فائق بن صالح بن عبد القادر بن یونس علوی عبادی ربونی موصلی شافعی، شیخ محمد سلیم جندی شافعی ثم الحنفی مفتی بلده معرة النعمان، سید محمود ابو الفیض مونی مصری شاذلی خلوتی، شیخ محمد رشید خطیب بن شیخ صالح طائی موصلی، شیخ یوسف بن اسماعیل بن یوسف ناصر الدین شافعی بیرونی نبهانی، شیخ محمد یوسف بن محمد الیاس هندی کاندهلوی، شیخ مظفر احمد بطیف عثمانی تهانوی و سید نسابه ابو الاسعاد، ابو الاقبال سید محمد عبد الحی بن سید عبد الکبیر حسنی ادیسی مغربی کتانی.

به این ترتیب آیه ا^۱ العظمیٰ مرعشی نجفی رحمه ا^۱ یکی از علما و فقهای پیشتازی است که با شرکت در مجالس درس و مباحثات عالمان و بزرگان مذاهب مختلف اسلامی، همچنین گرفتن و دادن اجازات روایتی، باب مراوده و راه ارتباط بین علمای مذاهب اسلامی را گشود و در نزدیک کردن علمای فرق مختلف به یکدیگر کوشش فراوان کرد و طریق ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل علما و فقهای جهان اسلام را پیمود و از آن، در ایجاد ارتباط و اتحاد و وحدت بخشی به جامعه اسلامی و مذاهب و فرق گوناگون جهان اسلام به خوبی استفاده کرد.

راه دیگری که آیت ا^۱ مرعشی نجفی در تقریب مذاهب و ایجاد رابطه و برقراری اتحاد میان بزرگان و علمای اسلامی طی کرد، سیر و سفر و ملاقات با دانشمندان، فقها

—(93)—

و بزرگان اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی بود.

ایشان در این سفرها با شخصیتهای علمی و مذهبی بسیاری ملاقات و در محفل درس آنان شرکت جست و با آنان به بحث و بررسی مسائل اسلامی پرداخت، که برخی از آنان عبارتند از:

علا^۱ مه سید محمود شکری آلوسی بغدادی، شیخ طنطاوی جوهری مصری، علامه سید علی خطیب در نجف، سید یاسین حنفی در بغداد، شیخ عبد السلام شافعی کردستانی، رشید بیضون لبنانی، سید محمد رشید رضا شاگرد محمد عبده مصری و صاحب تقریرات تفسیری «تفسیر المنار»، عارف الزین مدیر مجله «العرفان» در لبنان، قاضی بهجت افندی صاحب کتاب «تاریخ آل محمد صلی ا^۱ علیه وآله»، دکتر حسن قاسم مصری، شیخ ابراهیم جبالی مصری، شیخ یوسف دجوی مصری، شیخ محمد بهجة بیطار دمشق و صدها عالم و دانشمند برجسته از اهل سنت، زیدیه و اسماعیلیه و سایر فرق اسماعیلی.

راه دیگری که معظم له برای تقریب و ایجاد وحدت علمای اسلامی و در نتیجه ملل اسلامی پیمود، ارتباط با علما و بزرگان اهل سنت از راه مکاتبه بود.

نامه های فراوانی هم اکنون در میان اسناد زندگینامه آیت ا^۱ مرعشی موجود است که نشان می دهد ایشان چقدر به این امر اهمیت می داده و در راه برقراری اتحاد میان مسلمانان، بویژه علمای اسلامی چه کوششی داشته است.

ایشان با رئیس «جمعیت اخوت اسلامی مصر» علامه شیخ طنطاوی جوهری، مکاتبات بسیاری داشته و برای وی کتابها و رساله های مختلفی در مورد شیعه ارسال می کرده است.

همچنین با علامه شیخ محمد بهجة بيطار دمشقى و علامه سيد حسين محمد

—(94)—

رفاعي مصري رئيس «رابطة عموم السادة الاشراف الكبرى العالمية» و دیگر علما و فقهای بزرگ اهل سنت مکاتبه و نامه نگاری داشته است.

هدف از این مکاتبات در مرحله نخست اعلام کلمه اهل بیت علیهم السلام و رساندن ندای آنان به گوش تمامی مسلمانان در جهان اسلام، و در مرحله دوم ایجاد وحدت و اعلان کلمه توحید و اتحاد جوامع و فرق و مذاهب اسلامی بود. یادش گرامی باد.

اینک يك اجازه که مرحوم آیت العظمي مرعشي نجفي رحمه الله برای مرحوم شيخ عبدالواسع واسعي یماني در محرم سال 1355 ق. نوشته اند و در کتاب «الدر الفريد الجامع لمتفرقات الاسانید» که به سال 1357 ق در قاهره چاپ شده است، با اجازه ای دیگر از مرحوم شيخ محمد بخيت مطيعي حنفي مصري که برای آیت الله مرعشي نجفي نوشته است به عنوان نمونه از نظرتان می گذرانیم.

وهذه اجازة السيد العلامة شهاب الدين

أبو المعالي الحسيني الحسني من علماء الامامية

حفظه الله من ايران مدينة قم

P

الحمد لله الذي جعل الروايات عن الأئمة السادات ذريعة لنيل السعادات، ومان طرفها من تطرق الشكوك

والشبهات، والصلاة والسلام على أشرف البريات، محمدٍ المنتهى إليه سلسلة العلوم من كل جهات، وعلى أهل بيته الذين اذهب الله عنهم الجرس وطهرهم تطهيراً، الذين من تمسك بذيلهم فقد نجا، ومن تخلف عنهم فقد هلك، كيف وإلى الله يدعون، وبأمره يعملون وبقوله يحكمون، صلاة دائمة مستمرة.

وبعد فقد استجاز عني الأخ الفاضل، والعالم الكامل، شمس سماء العلم والجلالة،

—(95)—

وبدر أوج السعادة والنبالة، العلامة الباحثة، الاستاذ المؤرخ الرحلة، شيخنا الشيخ (عبد الواسع بن يحيى الواسعي) اليماني، دام مجده وفاق سعده، في رواية ما صحت لدى روايته، وصاغت عندي اجازته، من معقول ومنقول، وذلك بعد ما استجزت عنه رواية ما يرويه وقد أجازني، واني وان كنت لا أعد نفسي الجانية من فرسان هذا المضمار، ولا من سباق هذا الزمان ولكن امثال أمره المطاع، ألزمني باسعاف المسؤول، ونجاح المأمول، فاستخرت الله في ذلك وأجزت له دام علاه، وزيد في ورعه وتقاه، أن يروي عني كل ما أرويه بطريقي المتكثرة المنتهية الى أهل بيت الوحي والرحمة، وخزّان العلم والحكمة، وهي تقرب من مأثتي طريق.

مضافاً الى مالي من طرق أهل السنة وغيرها من فرق الاسلام، ولا أعلم في هذه الأعصار، أن الله اتفق لاحد مثل ما اتفق لي من جمع الطرق بهذا المقدار، وذلك من فضل ربي أشكر أم أكفر، ولكن الأسف أن المجال غير مقتض لذكرها مفصلة لما أحل بنا مما (اشارة الى مصائب حلّت بنا من الشقي البهلوي) يذيب القلوب ويهيج الأحزان والكروب، وأرجو الله تعالى أن يكشف هذه الغمة عن الامة.

(والذي يمكنني) نجم سماء السيادة شرف آل الرسول فخر بني الزهراء البتول، سيدي الوالد العلامة الاستاذ السيد شمس الدين محمود الحسيني المرعشي النسابة المتوفى سنة (1388 ق) عن والده شرف الدين السيد علي سيد الأطباء الحسيني المرعشي المتوفى سنة (1314) عن والده السيد محمد عن والده السيد ابراهيم عن العلامة السيد محمد عن استاذه السيد عبد الفتاح عن والده السيد ضياء الدين محمد عن والده السيد محمد الصادق عن والده السيد محمد الطاهر، عن والده السيد علي النوّاب، عن والده السيد حسين علاء الدين، عن والده رفيع الدين محمد، عن والده السيد شجاع الدين المحمود، عن والده السيد علي، عن والده السيد هداية الله، عن والده

—(96)—

الشریف السید علاء الدین الحسین الحسینی عن العلامة السید غیاث الدین المنصور الدشتکی الحسینی الشیرازی وهو یروی عن آبائه ومشایخه السادة الميامین خلفاً عن سلف الی النبی الأکرم صلی الله علیه وآله مشهورة، معرفة فی جوامع أصحابنا، کالکافی والاستبصار والتهذیب والبحار والوافي والوسائل والامالي والمجالس والارشاد ومدينة العلم وبصائر الدرجات ودعائم الاسلام والمحاسن والجعفریات وعلل الشرائع وعیون الاخبار وكشف الغمة واکمال الدین وثواب الاعمال وغيرها، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ خاتم أهل الحديث فی القرن الرابع عشر لیث بنی هاشم، البحر المحیط بأحداث آل الرسول، سند العراق، الآیة الحجة السید أبو محمد الحسن صدر الدین، ابن الهادی الموسوی نزیل بلدة الکاظمین المشرفة بطرقه المعروفة، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ الزاهد العابد خادم قبری الامامین العسکرین ببلدة سرّ من رأی المعروفة (بسامرا) الحجة الثبت الشیخ المیرزا محمد بن علی الطهرانی بطرقه المعروفة، (وممن أروي عنه) العلامة الاستاذ المصلح الکبیر الحجة الثبت سیدنا السید نجم الحسن الهندی مؤسس مدرسة الواعظین المشهورة ببلاد الهند، وطرقه معروفة، (وممن أروي عنه) فخر الشیعة ومروّج الشریعة، مجدد مذهب أجداده الطاهرین وقامع بدع المنتحلین، السید اسحاق المشتهر بناصر الحسین الهندی نجل صاحب کتاب عیقات الأنوار المشهورة، وطرقه معروفة، الی غیر ذلك من طرق المأئتين.

وأما مشایخی من علماء الزیدية فعدة، منهم بل هو اعلا طرقي الی ائمة اهل البيت الامام الهمام ابن الکرام سیف آل الرسول وشرف بنی الزهراء البتول، سید ملوک الاسلام أمير المؤمنین الامام یحیی بن محمد حمید الدین، نصره الله وخلد ملکه وأجرى فی بحار التأیید فلهک، بطرقه المعروفة لیدیکم، ومنهم العلامة الفقیه المرحوم شیخ آل الرسول السید محمد بن عقیل العلوی الحضرمي، ومنهم عدة من علماء بلدة

—(97)—

زبید من بلاد الیمن السعيدة و غیرهم.

واما مشایخی من أهل السنة فعدة، منهم العلامة المحدث السید ابراهیم الراوی الشافعي البغدادي بطرقه، ومنهم العلامة الشیخ محمد بخیت، مفتي الديار المصرية سابقاً بطرقه المعروفة، ومنهم العلامة السید محمود الشکري افندي البغدادي بطرقه، ومنهم الاستاذ الشیخ ابراهیم المصري بطرقه، ومنهم الشیخ نور الدین الشافعي المشتهر بالشیخ نور القارئ الحافظ، ومنهم لاشیخ عبد السلام الكردي الی غیر ذلك من طرقهم.

فلشيخنا العلامة الشيخ عبد الواسع ان يروي عن هؤلاء الحديث ومقدماته والفقه والاصولين والتفسير والنسب والتاريخ والتراجم والكلام والعلوم الالية غيرها بالاسانيد المتكثرة المضبوطة في أماكنها ومن أراد فليراجع المجلد الأخير من بحار الأنوار، وكتاب لؤلؤة البحرين، والدرة البهية، والروضة الندية، وأمل الأمل، وغيرها والمرجو من جنابه أن لا ينساني من صالح الدعاء في مظان الاجابة وأماكن الاستجابة، كما انني لست أنساه ان شاء الله تعالى والسلام عليه وعلى جميع موالى أهل البيت الطاهرين والرحمة والبركة، عصمنا الله وإياهم من الزلل والخلل والهفوة في القول والعمل، أنه على ذلك قدير وبالإجابة جدير، وصلى الله على سيدنا ونبينا وحبيب قلوبنا وطبيب نفوسنا، ابي القاسم محمد وعلى آله الطيبين مساكين ذكر الله، ومعادن حكمته وتراجمة وحيه، عناصر الأبرار، ودعائم الاخيار الذين بهم عرفنا الله معالم ديننا، وأصلح ما كان فسد من دنيانا، وبهم تمت الكلمة وعظمت النعمة وأثقلت الفرقة، اللهم أحينا حياتهم، وأمتنا مماتهم، واحشرنا في زميرتهم، وتحت ولايتهم ولا تفرق بيننا وبينهم طرفة عين أبداً، وارزقنا في الدنيا زيارتهم، وفي الآخرة شفاعتهم؛

—(98)—

آمين آمين لا أرضى بواحدة حتى يضاف اليه الف آمينا

ويرحم الله عبداً قال آمين.

وحرر في رابع محرم سنة (1355) وقد وقع الفراغ من هذه الاجازة الشريفة والعجالة المنيفة بمدرسة الفيضية الواقعة في جوار مشهد السيدة الجليلة فاطمة المعصومة بنت الإمام موسى الكاظم (س) وأنا الراجي فضل ربه، عبده الملتجى بباب أهل البيت شهاب الدين أبو المعالي المدعو بالنجفي الحسيني المرعشي كان الله له وعفا عنه ثم الختم.

مآخذ مقاله:

المسلسلات في الاجازات، السيد محمود المرعشي؛ الاجازة الكبيرة، آيت الله العظمى المرعشي النجفي، اعداد محمد السماوي الحائري باشراف السيد محمود المرعشي، قم، مكتبة آيت الله العظمى المرعشي النجفي، (1414 ق)؛ الدرّ الفريد الجامع لمتفرقات الاسانيد، قاهره (1357 ق) شهاب شريعت، درنگی در زندگی

حضرت آیت اﷲ العظمیٰ مرعشی نجفی علی رفیع علاء مرودشتی ، قم ، کتابخانه عمومی حضرت آیت اﷲ مرعشی
نجفی (1373 ش م 1415 ف)؛ قبسات من حیاة سیدنا الاستاذ آیت اﷲ العظمیٰ المرعشی النجفی، السید عادل
العلوی قم، کتابخانه عمومی آیت اﷲ العظمیٰ مرعشی نجفی واطلاعات اضافی که خود اینجانب از آغاز
طفولیت تاکنون از والد خود داشته ودارم.